



جهان بینی قرآنی و محیط زیست*

□ محسن نورائی^۱

چکیده

محیط زیست یکی از موضوعات مهم بشری است که امروز با مشکلاتی پر شمار روبه روست. هر چند کوشش‌های علمی و عملی فراوان برای مهار این معضل انجام شده است، حل کامل آن جز با توجه به تعالیم و حیانی و پایبندی به آموزه‌های قرآنی ممکن نیست. مقاله حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی آیات مربوط به محیط زیست را بررسی کرده است. این آیات، بیانگر اصول و بنیان‌های جهان بینی قرآن در این زمینه است. مهم ترین این اصول عبارتند از: هدفمندی محیط زیست، توازن محیط زیست، زیبایی شناختی محیط زیست، تنوع زیستی و تسخیر محیط زیست برای انسان. اهمیت اصول یاد شده، مستند به جامعیت، جاودانگی و فراهم سازی ضمانت اجرای درونی آن برای قوانین زیست محیطی است. واژگان کلیدی: قرآن، محیط زیست، تسخیر طبیعت، توازن محیط زیست، تنوع زیستی.

با افزایش آگاهی بشر از عمق فجایع زیست‌محیطی در دهه ۱۹۶۰ م. به تدریج محیط‌زیست به یکی از مهم‌ترین مباحث جهانی بدل شده و مساعی عدیده علمی، فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و سیاسی را به خود معطوف ساخته است. ناتوانی از حل این بحران، برخی اندیشمندان را واداشت تا راه‌حل‌هایی معنوی-اخلاقی را برای این مشکل بیابند و به ادیان توحیدی به ویژه اسلام و آموزه‌های قرآن کریم چشم بدوزند.

قرآن کریم آخرین متن مقدس و معتبر الهی است که بنا بر جامعیت و جاودانگی‌اش امور اثرگذار بر سعادت دنیوی و اخروی انسان، از جمله محیط‌زیست، غفلت نکرده به صورت مستقیم و غیر مستقیم رهنمودهای لازم را درباره آن بیان کرده است. آیا قرآن کریم به محیط‌زیست توجه کامل دارد؟ آیا در این باره برنامه‌ای منسجم و جامع را عرضه داشته است یا می‌توان چنین برنامه‌ای را از آن دریافت؟ مبانی و اصول نگرش قرآن به محیط‌زیست کدام است؟ جستار حاضر با هدف پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی برخی ابعاد آن نگاشته شده است.

مباحث زیست‌محیطی قرآن کریم در دو دسته جای می‌گیرد: دسته نخست، مبانی نظری است که نگرش ویژه قرآن را به طبیعت بازگو می‌نماید؛ مانند مفاد آیاتی که بیانگر مسخر بودن طبیعت برای انسان است. دسته دوم، اصول و قواعدی عملی است که تعیین‌کننده بایدها و نبایدهای رفتار زیست‌محیطی در سه سطح فرد، جامعه و حکومت است؛ مانند آیاتی که انسان‌ها را از نابودی و تباهی زمین بر حذر می‌دارد و به آنان فرمان می‌دهد تا به آبادانی آن همت گمارند.

جهانبینی قرآن به معنای نوع برداشت و طرز تفکر قرآن کریم درباره جهان و هستی است. بخشی از این جهانبینی معطوف به محیط‌زیست و ابعاد مختلف آن است. تبیین اصول جهانبینی قرآن درباره محیط‌زیست امری بایسته و پراهمیت است؛ زیرا این اصول نه تنها فرهنگ زیست‌محیطی را تعریف می‌کند و رفتار جامعه مسلمان و نیز نهاد حاکمیت اسلامی را قاعده‌مند می‌سازد، بلکه استوارترین تکیه‌گاه فکری در رویارویی با فرهنگ بیگانه به شمار می‌رود. ناآگاهی از این اصول باعث رخنه‌باورهای غیر اسلامی می‌گردد که چه بسا به دلیل تعارض با آموزه‌های اسلام،

مشکلاتی را برای جامعهٔ مسلمان پدید آورَد.

اصول مهم جهان‌بینی زیست‌محیطی قرآن کریم عبارتند از: هدفمندی محیط‌زیست، توازن، تعادل و تناسب محیط‌زیست، زیبایی‌شناسی طبیعت، تنوع زیستی و تسخیر محیط‌زیست برای انسان.

اصول جهان‌بینی قرآنی محیط‌زیست

الف) هدفمندی محیط‌زیست

راز‌گشایی از آفرینش و تبیین هدف آن، یکی از دیرین‌ترین و کوشش‌های فکری بشر است. هدف خداوند از آفرینش هستی چیست؟ آیا برای آفرینش می‌توان معنایی یافت؟ خلقت انسان از چه روست؟

هرچند بسیاری از مکاتب و نظام‌های فکری کوشیده‌اند به این گونه پرسش‌ها پاسخ دهند، به پاسخی واقعی نرسیده‌اند؛ زیرا پاسخ صحیح بدون تکیه بر وحی ناشدنی است و نتایجی نادرست به دست می‌دهد^۱ (ر.ک: نصری، ۱۳۸۸: ۷۵).

از نظر قرآن کریم آفرینش جهان هستی و مظاهر گوناگون آن هدف‌دار است. هدف‌داری آفرینش با تعابیری مختلف مانند حق بودن، نفی لعب و نفی باطل بودن خلقت، بازگو شده است (ر.ک: احقاف/ ۳؛ روم/ ۸؛ تغابن/ ۳؛ انعام/ ۷۳؛ دخان/ ۳۹؛ یونس/ ۷؛ دخان/ ۳۸؛ انبیاء/ ۱۶). از دید قرآن کریم و روایات اسلامی اهداف آفرینش در طول یکدیگر قرار دارند نه در عرض هم. از این رو می‌توان برخی از این اهداف را هدف متوسط و پاره‌ای را اهداف عالی دانست. اهداف میانی نیز زمینه‌ساز تحقق هدف برتر و نهایی است.

یادآوری این نکته بایسته است که دو وجه در پرسش از هدف آفرینش نهفته است: نخستین وجه، پرسش از فایدهٔ پدیده‌ها و موجودات آفرینش است؛ برای مثال هنگامی که سؤال می‌شود، هدف آفرینش محیط‌زیست چیست؟ مراد این است که

۱. امام صادق (ع) در گفتگو با مُفضل، تکیه بر دانش گسسته از دین را که سخت نارساست، و نیز اتکا بر نگرش مادی و بی‌بصیرت را از عوامل اصلی تحلیل نادرست راز و هدف هستی دانسته‌اند (برای آگاهی بیشتر ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۳).

فایده و کارکرد اجزا و عناصر محیط زیست چیست و این پدیده‌ها به چه کار می‌آیند؟
وجه دوم، کشف انگیزه آفریدگار هستی است؛ یعنی هدف و مقصود خداوند
متعال از آفرینش گری چیست؟ در این جستار به وجه نخست می‌پردازیم و وجه
دوم خارج از بحث ماست.

برخی از اهداف مهم عبارتند از: بهره‌رسانی به انسان و توجه به ابعاد توحید و
تحقق شئون مختلف آن.

بهره‌رسانی و خدمت به انسان

بهره‌رسانی به انسان یکی از اهداف آفرینش هستی ذکر شده است. قرآن کریم
گاه با تعابیری کلی و گاه با ذکر نام برخی مخلوقات، آن‌ها را در خدمت انسان
معرفی می‌کند؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/ ۲۹)؛ اوست آن که آفرید
برای شما جمیع آنچه در زمین است. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» (رحمن/ ۱۰)، خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از
آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن میوه‌هایی روزی شما ساخت (برای آیات دیگر رک:
بقره/ ۲۲؛ انعام/ ۹۷؛ ابراهیم/ ۳۲؛ نحل/ ۵، ۱۰-۱۱ و ۸۰-۸۱؛ طه/ ۵۳؛ یس/ ۸۰؛ غافر/ ۶۴ و ۷۹).

به کارگیری تعابیری مانند «لکم» و «للأنام» در آیات پیش گفته، بیانگر این حقیقت
است که مواهب طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جغرافیایی و نژادی
جوامع مختلف، برای تمام انسان‌هاست. گویی رسالت این موجودات آن است که
در خدمت انسان باشند. از این روست که تعالیم اسلام و نیز دستورات فقهی، همسو
با تعمیم حق بهره‌گیری از مواهب طبیعت، برای همه افراد جامعه تنظیم و تدوین
گردیده است (برای آگاهی بیشتر در این باره رک: طباطبایی، ۱۴۰۲: ۷۴/۲ و ۲۷۳/۴). همان گونه
که مقام معظم رهبری در پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست یادآور شدند:

در حقیقت، «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی
و ایجاد جامعه سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی
است و الزامات شرعی را برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی،
با پرهیز از زیاده‌روی و تعبد به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است» (فیروزی،
۱۳۸۴: ش ۲۵/۴۲).

یادآوری این نکته ضروری است که نگرش بهره‌رسانی طبیعت به انسان، مخصوص اندیشه اسلامی نیست. دو ویژگی، نگرش مکتب اسلام را در این عرصه متمایز می‌سازد: خدمت‌رسانی طبیعت به انسان، هدف نهایی نیست بلکه هدفی میانی و زمینه‌ساز تحقق اهداف والاتر مانند تحقق توحید و نیل آدمی به مراتب والای کمال و سعادت است، در حالی که در نگرش مکاتب غیر اسلامی، خدمت‌رسانی طبیعت به انسان، هدفی نهایی است، با اصالتی ویژه. دومین تمایز نگرش اسلامی، برجسته بودن توحید و تأکید بر قدرت و خواست خداوند متعال در بهره‌رسانی طبیعت به انسان است، در حالی که مکاتب غیر اسلامی به این حقیقت متعالی کاملاً بی‌توجه است. سخن گران سنگ امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام درباره خدمت‌رسانی طبیعت به انسان بس گویاست:

«ألا وإن الأرض التي تُقَلِّبُكم والسماء التي تُظَلِّلُكم مُطِيعتان لربكم وما أصبَحتا تَجودان لكم بغير كنهما تَوْجُّعًا لكم ولا زلفة إليكم ولا خیر ترَجوانه منكم ولكن أمرتا بمنافعكم فأطاعتا وأقيمتا على حدود مصالحكم فقامتا» (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۳)؛
 یاران بدانید زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد و آسمانی که بر شما سایه می‌گسترده، پروردگار شما را فرمانبردارند و برکت آن دو بر شما نه از راه دلسوزی است و نه به خاطر جستن نزدیکی و نه به امید خیری است که از شما دارند، بلکه به سود شما مأمور شدند و گردن نهادند و برای مصلحت شما برپاشان داشتند و ایستادند.

تحقق توحید و شئون مختلف آن

توحید پایه اعتقادات اسلامی و به معنای یکتا دانستن مبدأ هستی یعنی خداست و گویای این حقیقت که تمام هستی را خداوند متعال آفریده است و استمرار حیات و کنترل و نگهداری آن نیز بر عهده اوست.

توحید، اساسی‌ترین مفهوم قرآنی، نمایانگر هدف نهایی آفرینش جهان و انسان است. از این رو در برخی آیات، ضمن توجه به ابعاد گوناگون توحید، بر تحقق شئون مختلف آن تأکید شده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق / ۱۲)؛ خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن‌ها، هفت زمین را آفرید. فرمان [خدا] در

میان آن‌ها فرود می‌آید تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است.

حرف «لام» در واژه «لتعلموا»، لام تعلیل است. بر این اساس، آیه بیانگر این نکته است که جهان آفریده شده است تا انسان با خدا آشنا شود و به بینش توحیدی دست یابد، هم‌چنان که در آیه دیگر، پرهیز از شرک عملی، نتیجه آگاهی از هدف آفرینش دانسته شده است: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۲)؛ همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده]، و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد که بدان میوه‌ها را روزی شما ساخت. پس برای او همتیانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید.

شهید ثانی با استناد به آیه مذکور کسب آگاهی و علم، به ویژه علم به توحید را علت اصلی آفرینش هستی شناسانده و آن را مایه سربلندی و مباهات دانسته است (عاملی، ۱۴۰۹: ۹۳؛ نراقی، ۱۳۹۰: ۱۱۰/۱). امام خمینی رحمته الله علیه نیز توحید را هدف اساسی خلقت می‌داند و می‌نگارد:

مکتب الوهیت به معنای وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است (۱۳۷۸: ۴۴۹/۲۱؛ نیز ر.ک: همان: ۲/۱۹).

نگاه توحیدی انسان، رابطه سه گانه او با خدا و جامعه و محیط زیست را کمال می‌بخشد. در پرتو اعتقاد به توحید است که مظاهر گوناگون محیط زیست مانند کوه، دشت، دریا به صورت اجزای منسجم یک حقیقت جلوه می‌کند و همگی تجلی گاه جمال و جلال خداوند می‌گردد. این نوع نگرش که نویسنده آن را «نگرش آیه‌ای» می‌نامد، مهم‌ترین تفاوت نگاه اسلامی به محیط زیست در مقایسه با نگاه‌های دیگر است. نگرش آیه‌ای به پدیده‌های طبیعت، انسان را به اساسی‌ترین حقیقت هستی یعنی توحید رهنمون می‌گردد.

معنای لغوی «آیه» شگفتی، قصد، مکث و انتظار و نشانه (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۷۵/۶) است. کاربرد قرآنی این واژه، مفهوم علامت و نشانه را برمی‌تابد (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹:

۴۴۹/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۲۱/۲؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ۵۸/۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۰/۲۷). دانشمندان اسلامی با الهام از آیه ۵۳ سوره مبارکه فصلت، «آیه» را به دو نوع انفسی و آفاقی تقسیم کرده‌اند. مراد از آیات انفسی، ظرایف آفرینش انسان و حکمت‌های نهفته در آن است و مقصود از آیات آفاقی، نشانه‌های خداست که در بیرون از وجود انسان و در تدبیر نظام هستی نمایان است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹: ۱۳۸/۹؛ رازی، ۱۴۰۸: ۹۰/۷؛ شبر، ۱۴۰۷: ۳۸۶/۵).

حقیقت این است که مشاهده غیر متفکرانه آیات آفاقی بینشی توحیدی را به ارمغان نمی‌آورد و چه بسیارند افرادی که با وجود مطالعه دقیق جهان به سبب نداشتن نگرش آیه‌ای، از خالق جهان بی‌خبر مانده‌اند: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَظُنُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾ (یوسف/۱۰۲)؛ و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آن‌ها می‌گذرند در حالی که از آن‌ها روی برمی‌گردانند. مولی‌الموحدین، امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«ولو فكروا في عظيم القدرة وجسيم النعمة لرجعوا إلى الطريق وخافوا عذاب الحريق ولكن القلوب عليله والأبصار مدخول» (نهج البلاغه: ۱۱۵/۲)؛ اگر مردم در عظمت قدرت و بزرگی نعمت و بخشش خداوند درنگ نموده و نیکی می‌اندیشیدند، بی‌تردید به راه درست و استوار الهی باز می‌گشتند و از عذاب و آتش سوزنده پروا می‌نمودند، ولیکن دل‌ها بیمار و ناتوانند و دیدگان بصیرت و بینایی سخت معیوب است.

ب. توازن محیط زیست

توازن محیط زیست یکی از مسائل مهم زیست محیطی است و به معنای تعادل و تناسب موجودات، شرایط و مناسباتی است که در طبیعت شکل می‌گیرد و با تضمین حیات هر گونه جاندار، امکان بهره‌برداری حداکثری از آن را فراهم می‌سازد. بر این اساس شمار هر پدیده کاملاً محاسبه شده و میان اجزای آن تعادل و تناسب لازم پیش‌بینی گردیده است، همان گونه که این تناسب، میان پدیده‌های گوناگون طبیعت نیز یافت می‌گردد.

تعابیر گونه‌گون قرآنی مانند «قَدَر»، «تسویه» و «موزون» بیانگر تناسب زیست محیطی است. در ادامه این واژه‌ها و آیات مرتبط با آن را بررسی می‌کنیم.

تعبیر قرآنی «قَدَر» و توازن زیستی

واژه قرآنی «قَدَر» اسم مصدر (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۲۰۶/۹) و بیانگر کمیت و کیفیت هر چیز است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۲/۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۷۰/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۱). کاربرد این واژه و مشتقات گوناگون آن در آیاتی که از آفرینش هستی سخن می‌گوید، از وجود اصل توازن حکایت دارد.

توضیح بیشتر اینکه بر اساس آیات قرآن، خداوند متعال آفریننده تمام پدیده‌ها و اشیا است: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (زمر/ ۶۲؛ نیز ر.ک: رعد/ ۱۶؛ غافر/ ۶۲؛ انعام/ ۱۰۲)؛ خدا آفریدگار هر چیزی است. با استناد به تعبیر «کل شیء» که از ادات عموم است، می‌توان گفت که همه افراد و اشخاص و پدیده‌ها و هر آنچه اطلاق شیء بر آن صحیح باشد، مخلوق خدای متعال است. آیات قرآن بیانگر این حقیقت است که آفرینش همه اشیا و پدیده‌ها (کل شیء) در نیکوترین وجه ممکن و همراه با اندازه‌گیری کمی و کیفی (قَدَر) صورت گرفته است: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (فرقان/ ۲؛ نیز ر.ک: رعد/ ۸؛ حجر/ ۲۱؛ طه/ ۵۰؛ فرقان/ ۲؛ سجده/ ۷؛ قمر/ ۴۹؛ طلاق/ ۳)؛ و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که در خور آن بوده، اندازه‌گیری کرده است. این آیه، بیانی است کلی درباره وجود تقدیر و تعادل در آفرینش هر پدیده.

گستره تقدیر و دقت در اندازه‌گیری الهی چنان است که یافتن بی‌توازی در پهنه هستی، از اتم تا کهکشان، محال است: ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَتَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتِ فَارِجِ الْبَصَرِ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک/ ۳-۴؛ نیز ر.ک: مؤمنون/ ۱۸؛ زخرف/ ۱۱)؛ همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی. باز بنگر، آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهت درمانده به سویت باز گردد.

مفهوم قرآنی «تسویه» و توازن زیستی

واژه قرآنی «تسویه» نیز بیانگر توازن و تناسب در محیط زیست است. «تسویه» از ریشه «سَوَى» به معنای مساوی کردن، برابر ساختن و اعتدال بخشی است (ر.ک: طریحی،

۱۳۷۵: ۲۳۴/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۰). به کارگیری این واژه و دیگر مشتقات ماده «سوی» در آیاتی که از آفرینش هستی سخن می گوید، گویای این حقیقت والاست که آفرینش الهی در تمام مصادیق و مظاهرش متناسب و معتدلانه است.

قرآن کریم در سوره مبارکه اعلی، با تأکید بر توحید و فراخوانی بشر به تنزیه و تسبیح خداوند متعال، به ویژگی های آفرینش الهی اشاره می کند: ﴿الَّذِي خَلَقَ فَسْوَىٰ * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ﴾ (اعلی: ۲-۳)؛ همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آن که اندازه گیری کرد و راه نمود. «تسویه»، به معنای ترکیب بجا و متناسب اجزا با یکدیگر است به گونه ای که غیر از آن تصور نمی رود. «تقدیر» نیز به معنای اندازه گیری مخصوص و معین است. به کارگیری این دو در کنار هم، گویای بالاترین تناسب و هماهنگی میان اجزای هستی و محیط زیست است.

دسته ای دیگر از آیات نیز با اشاره به نام برخی مخلوقات به ویژگی تسویه و تعادل در خلقت آن ها تصریح دارند؛ برای نمونه خلقت آسمان ها که بزرگتر از خلقت انسان است (ر.ک: غافر/ ۵۷)، شکوهمند و همراه با تناسب گزارش شده است: ﴿رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّىٰهَا﴾ (نازعات/ ۲۸؛ نیز ر.ک: بقره/ ۲۹)؛ سقفش را برافراشت و آن را منظم [و به اندازه معین] درست کرد. «منظور از تسویه آسمان، ترتیب اجزا و ترکیب آن است تا هر جزئی در موضعی که حکمت اقتضا دارد، قرار گیرد» (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۳۰۸/۲۰). رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز آفرینش آسمان و زمین را با واژه «عدل» توصیف فرموده اند: «بالعدل قامت السماوات والأرض» (احسائی، ۱۴۰۵: ۱۰۳/۴).

گفتنی است دعاهای معتبر که سرشار از آموزه های دینی است، تسویه و تعادل در آفرینش انسان را نعمت والای الهی دانسته اند که آن را باید شکر گزارد. تعبیر سالار شهیدان، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، را در دعای عرفه بنگرید: «يا من خلقتني وسوّاني... وسلّمتني من الزيادة والنقصان... ثم أخرجتني إلى الدنيا تامّاً سوياً» (ابن طاووس، ۱۳۰۷: ۷۵/۲).

تعبیر قرآنی «موزون» و توازن زیستی

واژه قرآنی «موزون» یکی دیگر از واژه هایی است که به توازن زیست محیطی اشاره دارد. این واژه از ریشه «وزن» است به معنای اندازه گیری سنگینی و سبکی و تعیین

مقدار یک چیز (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۴۶/۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۶: ۹۷/۱۳). برای نمونه کاربرد این واژه را در آیه زیر می‌توان دید: ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا هَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ﴾ (حجر/ ۱۹)؛ و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم.

مفسران درباره مفهوم عبارت پایانی آیه ﴿وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ﴾ که محل شاهد ماست، دیدگاه‌هایی گوناگون را بیان داشته‌اند؛ برخی «موزون» را همه مواد معدنی استخراج‌شده دانسته‌اند که مقدار آن با توزین معین می‌شود؛ مانند طلا، نقره و آهن. برخی دیگر با برداشتی عام از این تعبیر، آن را به معنای خلقت پدیده‌ها دانسته‌اند که با حجم و مقدار معین و معلوم آفریده شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹: ۳۲۶/۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۲: ۳۹/۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۲/۶-۵۱۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵۴/۳).

آیه فوق بر اساس تفسیر دوم، بیانگر این حقیقت است که آفرینش مخلوقات بر پایه توازن و تناسب استوار است. «طبق این آیات، انواع آذوقه و امکانات برای بقای موجودات بشری و غیر بشری تدارک دیده شده؛ به طوری که میزان تقاضاشده از این امکانات، با عرضه آن‌ها برابر است» (رمضان اختر، ۱۳۸۱: ۸).

ج. تنوع زیستی

اصطلاح تنوع زیستی^۱ از اصطلاحات جدید دانش محیط زیست است که با توازن زیستی ارتباط تنگاتنگ دارد. این اصطلاح به معنای گوناگونی حیوانات، گیاهان و میکروارگانیسم‌های محیط زیست است. بر اساس گزارش برنامه محیط زیست ملل متحد، تعداد گونه‌های شناسایی شده در کره زمین حدود ۱۳/۶۰۰/۰۰۰ گونه است (اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). انقراض نامتعارف یک گونه سبب اختلال جدی در روند زندگی و فعالیت گونه‌های دیگری است که با آن‌ها در ارتباط است.^۲ «امنیت غذایی»^۳، تأمین نیازهای دارویی و نیز خلق چشم‌اندازهای زیبا و ایجاد تفرجگاه‌های طبیعی،

1. Biodiversity.

۲. تنوع زیستی موجود در کره زمین با سرعتی بی‌سابقه و در حدود ۱۰۰۰ برابر روند طبیعی آن، در حال کاهش است. از این رو سال ۲۰۱۰ میلادی به سال «تنوع زیستی» نام‌گذاری شده است

3. Food Security.

همگی وابسته به تنوع زیستی است.

شاید یکی از روشن ترین اشارات قرآنی به تنوع زیستی را در سوره مبارکه فاطر بتوان یافت: ﴿الَّذِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبٌ سُودٌ* وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ﴾ (فاطر / ۲۷-۲۸)؛ آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد و به [وسیله] آن میوه‌هایی که رنگ‌های آن‌ها گوناگون است، بیرون آوردیم؟ و از برخی کوه‌ها، راه‌ها [و رگه‌ها]ی سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پررنگ [آفریدیم] و از مردمان و جانوران و دام‌ها که رنگ‌هایشان، همان گونه مختلف است [پدید آوردیم]. در این دو آیه شریفه به تنوع عناصر محیط زیست مانند میوه‌های رنگارنگ، کوه‌ها و راه‌های مختلف با رنگ‌های متنوع آن و جانوران و دام‌ها اشاره شده است (برای گونه‌های دیگر ر.ک: انعام / ۳، ۹۹ و ۱۴۱؛ طه / ۵۳؛ زمر / ۲۱).

در آیات دیگر، تنوع عناصر محیط زیست، آیه و نشانه خداوند متعال شناخته شده است که برای خردمندان و خداباوران مایه ذکر و عبرت آموزی است: ﴿وَمَا ذَرَأًا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ (انعام / ۱۳)؛ ﴿الَّذِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَكَهُ يَتَابِعُ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَ فَمُضِرَّةٌ ثُمَّ يُجَعَلُ خُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (زمر / ۲۱)؛ برای گونه‌های دیگر ر.ک: انعام / ۳ و ۹۹)؛ مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد، پس آن را به چشمه‌هایی که در [طبقات زیرین] زمین است راه داد، آنگاه به وسیله آن، کشتزاری را که رنگ‌هایش گوناگون است بیرون می‌آورد، سپس خشک می‌گردد، آنگاه آن را زرد می‌بینی، سپس خاشاکش می‌گرداند. قطعاً در این [دگرگونی‌ها] برای صاحبان خرد عبرتی است.

افزون بر آنچه گذشت، برخی روایات نیز به تنوع زیستی و ضرورت پاسداری از آن اشاره دارند؛ مانند این روایت:

«وَسُئِلَ عَنْ قَطْعِ الشَّجَرَةِ، قَالَ: لَا بَأْسَ. قُلْتُ: فَالْسَدْرُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ. إِنَّمَا يُكْرَهُ قَطْعُ السَدْرِ بِالْبَادِيَةِ، لِأَنَّهُ بَهَا قَلِيلٌ وَأَمَّا هَاهُنَا فَلَا يُكْرَهُ» (کلینی، بی تا: ۲۶۴/۵)؛ از امام

صادق علیه السلام دربارهٔ بریدن درخت پرسیده شد. فرمود: ایرادی ندارد. [راوی گوید]: پرسیدم: آیا بریدن درخت سدر جایز است؟ فرمود: ایرادی ندارد. اگرچه بریدن درخت سدر در بیابان جایز نیست؛ زیرا سدر در بیابان کم است، در این ناحیه که این درخت فراوان است، بریدنش ایراد ندارد. در این روایت، بهره‌برداری از منابع طبیعی، امری مجاز تلقی شده است. علت غیر مجاز بودن قطع درخت سدر در بیابان، کمیاب بودن آن و به تعبیر علمی امروز، رعایت تنوع زیستی و حفاظت از آن است.

د. زیبایی‌شناختی محیط زیست

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز نگرش اسلام به محیط زیست توجه به زیبایی شگفت‌انگیز محیط زیست و مظاهر مختلف آن است. آیات قرآن و روایات معتبر، افزون بر برجسته‌سازی جنبهٔ توحیدی نهفته در طبیعت، بر زیبایی آفرینش تأکید کرده‌اند. این نکته یادکردنی است که در نگرش اسلامی، زیبایی دل‌انگیز طبیعت، فراتر از وصف و خیال‌انگیزی‌های شاعرانه است، بلکه حقیقتی عینی و محسوس است که با تکیه بر دانش و حکمت آفریدگار یکتا نمود یافته است. بیان زیبایی طبیعت، آسمان و نیز زیبایی حیوانات از مهم‌ترین نکته‌های درنگ‌برانگیز قرآن است.

واژه «بهجت» و مشتقات آن از پرکاربردترین واژگان قرآنی در ترسیم زیبایی طبیعت است. «بهجت» به معنای زیبایی و حسنی لذت‌بخش و سرور آفرین است؛ مانند آنچه از دیدن گل‌ها و درختان خرم و باغ‌های سبز حس می‌شود (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۵۰۹/۱۸). در این باره آیات زیر را می‌توان یاد کرد: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَأَلْقَيْنَاهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِجٍ» (ق/ ۷؛ نیز رک: حج/ ۵؛ فاطر/ ۲۷-۲۸)؛ و زمین را گسترديم و در آن لنگر [آسای کوه]ها را فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل‌انگیز رویندیم. «أَمِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَبَاقٍ ذَاتَ بَهْجَةٍ» (نمل/ ۶۰)؛ [آیا آنچه شریک می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد، پس به وسیلهٔ آن، باغ‌های بهجت‌انگیز رویندیم. «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِلَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِجٍ» (حج/ ۵)؛ و زمین را خشکیده می‌بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی‌آید

و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویاند.

قرآن کریم از میان زیبایی پدیده‌های طبیعی زمین، به زیبایی رویدنی‌ها توجه بیشتر کرده است. شاید علت این امر رشد پیوسته و پویایی زیبایی‌های نباتی است. شادابی، خرمی و رنگ‌آمیزی که در گیاهان و درختان نمود دارد، در دیگر پدیده‌های هستی کمتر دیده می‌شود (ر.ک: خرقانی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). در روایات نیز بر زیبایی طبیعت و محیط‌زیست و جلوه‌گری آن تأکید شده است؛ مانند سخنان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در گفتگو با مفضل (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۹/۳؛ نیز: صدوق، ۱۴۰۳: ۲۳۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۰/۲۰). در جهان‌بینی قرآنی به زیبایی مظاهر دیگر محیط‌زیست نیز توجه شده است؛ مانند بیان زیبایی‌های آسمان و موجودات زنده. آیات را بنگرید: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ» (ملک/ ۵؛ نیز ر.ک: حج/ ۱۶؛ صافات/ ۶؛ فصلت/ ۱۲)؛ و در حقیقت، آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم. «وَالْأَنْعَامَ خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا نَافِعٌ وَمَنَافِعُ لَهَا تَكُونُ لَكُمْ فِيهَا جَبَالٌ حِينَ تَرْمُونَ وَحِينَ تُسْرَحُونَ» * وَحَمَلُ أُنْقَالِكُمْ إِلَىٰ بَلَدِكُمْ تَكُونُوا بِالْغَنَةِ الْإِشْقُ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَّحِيمٌ * وَالْحَيْلَ وَالْبَعَالَ وَالْحَمِيرَ لَتَرْكَبوهَا وَرَبِّنَةٌ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/ ۸-۵)؛ و چارپایان را برای شما آفرید، در آن‌ها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است و از آن‌ها می‌خورید و در آن‌ها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آن‌ها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که [آن‌ها را] به چراگاه می‌برید و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رؤوف و مهربان است و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آن‌ها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند.

هـ. تسخیر محیط‌زیست

«تسخیر طبیعت» از موضوعات مهم قرآنی است. در این باره پرسش‌هایی گوناگون را می‌توان مطرح کرد: آیا تسخیر بهره‌برداری از طبیعت است یا مالکیت آن؟ میان تسخیر طبیعت از دید اسلام و بهره‌کشی افراطی تمدن غرب از طبیعت چه تفاوتی وجود دارد؟ چگونه و با تکیه بر چه اصولی می‌توان تسخیر طبیعت را مدیریت کرد؟ در ادامه به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم.

معنای لغوی تسخیر

واژه «تسخیر»، مصدر باب تفعیل از ماده «سخر» چند معنا را برمی‌تابد: رام ساختن، فرمان‌بردار کردن، واداشتن به کاری بدون پرداخت مزد (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/۶۸۰؛ عسکری، ۱۴۱۲: ۵۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۲؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۰؛ فیروزآبادی، بی‌تا: ۴۶/۲). طبرسی، تسخیر را به معنای رام کردن دانسته است (۱۳۷۲: ۱۹/۱۸۵). طباطبایی نیز در موضعی چنین نگاشته: «تسخیر» به معنای وادار کردن فاعل به فعلش است، به طوری که فعل خود را به اراده خود انجام ندهد، بلکه آن را به اراده تسخیرکننده انجام دهد، همان‌طور که نویسنده، قلم را و می‌دارد تا به اراده او بنویسد (۱۴۰۲: ۳۴۲/۶). بنابراین تسخیر عبارت است از رام نمودن چیزی برای رسیدن به هدفی معین.

نگاهی اجمالی به آیات ناظر به تسخیر طبیعت

آیات مرتبط با موضوع تسخیر طبیعت به سه گروه دسته‌بندی می‌شود:

گروه اول: آیاتی که با به کارگیری تعبیر «سَخَّرْ لَكُمْ»، به رام بودن کل محیط‌زیست و یا برخی اجزا و عناصر آن برای انسان‌ها اشاره دارد؛ مانند: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ﴾ (لقمان/ ۲۰؛ نیز ر.ک: رعد/ ۲؛ ابراهیم/ ۳۲-۳۳؛ نحل/ ۱۲-۱۴؛ حج/ ۶۵؛ جاثیه/ ۱۲-۱۳)؛ آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخر شما ساخته است؟^۱

گروه دوم: آیاتی که با به کارگیری تعبیری مانند «خَلَقَ لَكُمْ»، «جَعَلَ لَكُمْ» اشاره به تسخیر هستی برای آدمی دارد؛ مانند «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/ ۲۹؛ ملک/ ۱۵؛ برای آیات مشابه و البته با صراحت و شمول کمتر ر.ک: بقره/ ۲۲؛ اسراء/ ۶۶ و ۷۰؛ طه/ ۵۳-۵۴؛ یس/ ۸۰؛ غافر/ ۶۴؛ زخرف/ ۱۰-۱۳؛ ملک/ ۱۵؛ نوح/ ۱۹-۲۰).^۲

- گفتنی است آیاتی دیگر نیز بدون اشاره به مسخر له (انسان) به تسخیر اشاره دارند؛ مانند اعراف/ ۱۰؛ نحل/ ۵، ۱۱ و ۱۴؛ عنکبوت/ ۲۱؛ لقمان/ ۲۹؛ فاطر/ ۱۳ و ۲۷؛ زمر/ ۵؛ رحمن/ ۱۰؛ نازعات/ ۳۲.
- هرچند این گونه آیات صراحتاً از تسخیر طبیعت برای انسان سخن نمی‌گویند، هماهنگی آن‌ها را با آیات گروه اول چنین می‌توان بیان داشت که از یک سو، لازمه خلقت جهان برای انسان، فراهم بودن زمینه و امکان بهره‌برداری از طبیعت است. اگر انسان نتواند از جهان و مواهب آن استفاده کند، خلقت جهان برای او بی‌معنا خواهد بود. از سوی دیگر نیک روشن است که بهره‌برداری از طبیعت جز با رام شدن آن شدنی نیست.

گروه سوم: آیاتی که بیانگر رام بودن طبیعت برای برخی رسولان الهی و اعجاز آمیز بودن آن است؛ مانند ﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ يَجْرِ بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ﴾ (ص / ۳۶؛ نیز ر.ک: بقره/ ۶۰؛ اعراف/ ۷۳؛ هود/ ۶۴؛ انبیاء/ ۷۹؛ شعراء/ ۶۳)؛ پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا او می خواهد، برود. با ملاحظه مفاد آیات سه گانه می توان گروه یکم و دوم را آیات «تسخیر عام» و آیات گروه سوم را آیات «تسخیر خاص» نام نهاد؛ زیرا آیات دو گروه نخست بیانگر رام بودن طبیعت برای همه انسان هاست. ولی آیات گروه سوم بیانگر مسخر بودن طبیعت برای افرادی ویژه یعنی انبیاء علیهم السلام است. گفتنی است این گروه آیات از موضوع جستار حاضر خارج است.

حقیقت تسخیر

اکنون این پرسش اساسی را باید مطرح کرد که در نگرش قرآنی، حقیقت معنای تسخیر چیست؟ آیا طبیعت بالفعل رام انسان است، یا اینکه مسخر بودن طبیعت ویژگی بالقوه آن است. به عبارت دیگر، آیا مراد از تسخیر آن است که خداوند متعال، بدون در نظر گرفتن تلاش بشر، طبیعت را رام وی ساخته است یا اینکه انسان با تکیه بر خرد و دانش و تجربه خویش، به راز گشایی طبیعت سرکش می پردازد و طبیعت را مسخر می گرداند؟ توجه به معناشناسی حرف لام در عبارت قرآنی ﴿وَسَخَّرْنَاكُمْ﴾ و گزینش یکی از احتمالات سه گانه درباره آن، پاسخ این پرسش را روشن می سازد. «لام» در این عبارت یا به معنای منفعت و یا لام تعلیل غایی است و از این رو منافع طبیعت در خدمت انسان است یا اینکه لام ملکیت باشد و بر اساس آن معتقد گردیم که با پیشرفت تدریجی دانش بشری، سلطه و مالکیت او بر طبیعت محقق خواهد شد.

با استناد به ظاهر آیات مورد بحث، می توان احتمال یکم و دوم را قوی تر دانست. ظاهر این آیات، بیانگر تسخیر و رام شدن طبیعت است تا در خدمت تأمین منافع مسخر له (انسان) باشد، نه تصرف در انسان و الهام به وی برای به خدمت گرفتن طبیعت و بهره برداری از مواهب آن با تکیه بر خرد و دانش. در این باره می توان به این آیه استناد نمود: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ﴾ (لقمان / ۲۰)؛ آیا ندانسته اید که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، مسخر شما ساخته

است. در این آیه به تسخیر هر آنچه در زمین و آسمان است، اشاره شده نه آموزش و یا الهام چگونگی تسخیر موجودات و پدیده‌های زمینی و آسمانی برای انسان. قرینه دیگر بر درستی احتمال یکم و دوم، تسخیر خورشید و ماه است که در برخی از آیات (ر.ک: ابراهیم/ ۳۳) بدان تصریح شده است. ناگفته پیداست که ماه و خورشید هیچ‌گاه مملوک انسان نیست و تنها منافع آن‌ها در خدمت بشر قرار گرفته است.

بررسی تفسیر بسیاری از مفسران و اندیشمندان، بیانگر این مطلب است که اینان با پذیرش یکی از دو احتمال یکم و دوم، «لام» در «لکم» را لام منفعت و یا تعلیل غایی دانسته‌اند؛ مانند شیخ طوسی (۹۷۲/۶)، فیض کاشانی (۱۴۱۸: ۹۷/۲)، حقی بروسوی، فخر رازی، مطهری (۱۳۷۷: ۱۱۵/۲). در اینجا ذکر دو نکته ضروری است. نخست اینکه تسخیر امری عمومی و فراگیر است؛ زیرا ضمیر «کم» در «سَخَّرَ لَكُمْ» بیانگر عمومیت تسخیر برای همه انسان‌هاست. نکته دوم همیشگی بودن تسخیر و منحصر نبودن آن در زمانی معین است، چنان که تعبیر «دَائِمِينَ» در آیه بعد قابل استنباط است: «وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِمِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ» (ابراهیم/ ۳۳)؛ و خورشید و ماه را که پیوسته روانند، برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت. واژه «دأب» به معنای خوی و عادت است که در آن مفهوم «استمرار» نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۶۹۴؛ مصطفوی، ۱۴۱۶: ۳/ ۱۶۹). در این آیه نیز «دأب» به معنای عادت‌ی همیشگی و مستمر است که به زمانی معین اختصاص ندارد.

پیوند میان تسخیر طبیعت با دیگر مفاهیم قرآنی

بر اساس آیات قرآن کریم، انسان جانشین خدا بر روی زمین است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/ ۳۰؛ نیز ر.ک: انعام/ ۱۶۵؛ اعراف/ ۶۹؛ یونس/ ۱۴؛ نمل/ ۶۲؛ فاطر/ ۳۹)؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت». برخی مفسران معاصر با تکیه بر قرینه سیاق گفته‌اند: منظور از خلافت، جانشینی خدا در زمین است، نه اینکه انسان جانشین ساکنان منقرض شده زمین شود. نکته دیگر اینکه خلافت انسان، اختصاصی به شخص آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ ندارد، بلکه فرزندان او نیز در این مقام با او شریکند (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱/ ۱۷۸).

جانشینی انسان از خداوند متعال، امتیازها و مسئولیت‌هایی فراوان را برای او پدید می‌آورد که بی‌گمان در روز قیامت از آن بازخواست خواهد شد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، امانت‌داری و پاسداری شایسته از جایگاه خلافت الهی است: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ (یونس / ۱۴)؛ آنگاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می‌کنید. به همین جهت از انسان انتظار می‌رود همان‌گونه که آفریدگار متعال محیط‌زیست را پاس داشته و رحمت خود را بر آن بارانده است، رفتاری مهرآمیز با محیط‌زیست داشته باشد.

جایگاه خلافت الهی برای انسان با مفهوم قرآنی «استعمار ارض» (آبادگری زمین) نیز ارتباط مستقیم دارد: ﴿هُوَ أَشْأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ كُفَيْهَا﴾ (هود / ۶۱)؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادانی آن را به شما وا گذاشت. دست کم بر اساس برخی تفسیرهای این آیه، آبادسازی زمین و محیط‌زیست به انسان واگذار شده است. بر پایه آنچه گذشت، روشن می‌شود که انسان جانشین خدا روی زمین است تا با آبادانی آن، شرایط لازم را برای رشد و تکامل خود و دیگران فراهم سازد. امانت‌داری انسان ایجاب می‌کند تا رفتاری مسئولانه با طبیعت داشته، از افراط و تفریط پرهیز کند.

نقد یک دیدگاه

برخی در ریشه‌یابی بحران محیط‌زیست، با فرافکنی و گناه غرض‌ورزی، دین و تعالیم والای آن را عامل این بحران می‌دانند. وایت جونیور، بحران محیط‌زیست را ناشی از سلطه‌ای می‌داند که کتاب مقدس به انسان بخشیده است و بر اساس آن، این اجازه دینی را به او داده است که از طبیعت سوء استفاده کند (ر.ک: فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ش ۹۴/۲۲). برخی همچون مورخ قرون وسطی، لین وایت، به نقش منفی دین در این بحران اعتقاد دارند. او معتقد است که تأکید یهودیت و مسیحیت بر تعالی خداوند نسبت به طبیعت و غلبه انسان بر آن، باعث بی‌احترامی به طبیعت و در نتیجه تخریب منابع آن برای رسیدن به اهداف منفعت‌طلبانه شده است (ر.ک: حدادی، ۱۳۸۷: ش ۲۶/۳). در نقد این دیدگاه باید یادآور شویم که هیچ تلازم منطقی میان بحران محیط‌زیست و دین وجود ندارد؛ زیرا جوامع دینی و غیر دینی هر دو به طور مساوی با این بحران

مواجهند. در ثانی، منظور از تسخیر، سلطه و غلبه نیست، بلکه در اختیار بودن منافع محیط زیست برای انسان، خلیفه خداوند، است. اگرچه او در این جهان فرمانرواست، فرمانروایی اش امانت دارانه و متعهد به اخلاق انسانی است. براین اساس، نمایندگی خداوند بر روی زمین و نیز رام بودن طبیعت برای انسان، به خودی خود، سبب تخریب محیط زیست نیست. دستورهای پرشمار دینی به پاسداری محیط زیست و توجه به شئون مختلف آن فرا می خوانند و هشدارهای لازم را بیان می کنند. تنها انسان هایی که پایبند به قوانین الهی نیستند، سلامت محیط زیست را به خطر می اندازند.

نتیجه گیری

۱. قرآن تصریحات و اشارات سودمندی در باب محیط زیست دارد که بر اساس آن می توان به استخراج و تدوین جهان بینی جامع زیست محیطی قرآن همت گمارد.
۲. محیط زیست پیش از مداخله آدمی، مجموعه ای هدفمند، متوازن و خودترمیم است که برای تحقق هدف اصلی آفرینش آدمی، یعنی قرب الی الله، و نیز رشد و کمال موجودات آفریده شده است.
۳. در جهان بینی قرآنی محیط زیست، به توحید که اساس آیین اسلام است، سخت توجه شده است و مباحث نظری و الزامات عملی اسلامی ناظر به محیط زیست، معطوف به آن است.
۴. تسخیر طبیعت به این معناست که خداوند متعال به خاطر انسان طبیعت را رام ساخت و آن را به گونه ای آفرید که مواهبش در مسیر تأمین نیازهای انسان قرار گیرد.
۵. تسخیر طبیعت، با سلطه بر آن و اعمال رفتار خصمانه ناسازگار است.
۶. حق بهره وری از محیط زیست، حقی عمومی است. بر این اساس بهره وری شخص یا حکومت از طبیعت نباید به جلوگیری و منع از بهره وری دیگران بینجامد.
۷. شناخت تخصصی محیط زیست امری بایسته است؛ زیرا اکتفا به استفاده های سطحی از آن، مصداق ناسپاسی در برابر نعمت ارجمند «تسخیر طبیعت» است.
۸. بر هم زدن تعادل طبیعت، با اخلاق مطلوب زیستی و نیز با معارف قرآنی تعارض دارد؛ زیرا نظم طبیعت آینه قدرت خداوند و نمایانگر آفرینش و یکتایی اوست.

کتاب شناسی

۱. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی.
۲. احسانى، محمد بن على بن ابراهيم بن ابى جمهور، *عوالى اللئالى العزیزية فى الاحادیث الدینیة*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن اثیر جزرى، مبارک بن محمد، *النهاية فى غریب الحدیث و الاثر*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
۴. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، *اقبال الاعمال*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۰۷ ش.
۵. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. رمضان اختر، محمد، *ابه سوی رویکردی اسلامی از توازن زیست محیطی*، ترجمه عباس عرب مازار و حسن دادگر، *مجله اقتصاد اسلامی*، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۱ ش.
۸. اردکانی، محمدرضا، *اکولوژی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
۹. اندلسی، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دار الملائین للعلم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. حدادی، محسن، «مبانی اخلاق زیست محیطی در ادیان»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال سوم، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، و *سائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، آل البیت (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. خرقانی، حسن، *قرآن و زیبایی شناسی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت، دار العلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. حسینی زبیدی، سیدمحمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. شبر، سید عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین*، کویت، مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر العالمی، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *منیة المرید فی ادب المرید و المستفید*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. عسکری، ابوهلال، *معجم الفروق اللغویه*، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. فراهانی فرد، سعید، «محیط زیست: مشکلات و راه های برون رفت از منظر اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۵ ش.

۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، بیروت، مؤسسة العربية للطباعة و النشر، بی تا.
۲۹. فیروزی، مهدی، «مبانی حق برخورداری از محیط زیست سالم در قرآن کریم»، *مجله رواق اندیشه*، شماره ۴۲، ۱۳۸۴ ش.
۳۰. فیض کاشانی، محسن، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الاصول من الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. موسوی خمینی، سیدروح الله، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۳۶. نراقی، محمد مهدی، *جامع السعادات*، تصحیح محمد کلانتر، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. نصری، عبدالله، *فلسفه آفرینش*، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.